



راهبردهای دستیابی به اقتصاد مقاومتی

انوش جعفری^۱، محمد صباح^۲

۱- استادیار، دکتری تخصصی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

۲- کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد چالوس

Dr_aj2012@yahoo.com

چکیده

جمهوری اسلامی ایران در عرصه اقتصاد با مسائلی مواجه است که تاکنون در عرصه نظر و عمل مابه ازای واقعی نداشته است. بنابراین انقلاب اسلامی خود را مکلف به نظریه پردازی و الگوسازی در این عرصه می داند یکی از این مفاهیم، «اقتصاد مقاومتی» است. حال سوال این است که راهبردهای مناسب برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی چیست؟ در این وضعیت با تغییر در اولویت هدف ها و به تبع آن در اصول راهبردی و سیاست های کلان و حاکمیت روحیه جهاد بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم، راهبردی کلان طراحی می شود که تهدید را تبدیل به فرصت کرده و باعث رشد جهشی می شود.

کلمات کلیدی: اقتصاد، اقتصاد مقاومتی، جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

عصر پرچالش کنونی که برای جمهوری اسلامی ایران، تحریم ها و دشواری های فراوان و ویژه های را نیز به دنبال داشته است، نظام اقتصادی کشور را لاجرم به اتخاذ یک نظام اقتصاد متناسب با این تحولات و چالش های خاص، فرامی خواند. در واقع حیات نظام اقتصادی کشور در گرو مقاومتی علیه آماج حملات اقتصادی و سیاسی است که علاوه بر کارآمدی در اداره معیشت جامعه، بتواند حضور فعال جمهوری اسلامی ایران را به عنوان الگو و الهام بخش در تحولات جهان میسر سازد. اقتصاد مقاومتی، حرکتی انفعالی نیست؛ بلکه سلب و ایجاب را با هم دارد. اقتصاد مقاومتی به معنای آمادگی روحی و عملی برای مقاومت در برابر حملات اقتصادی دشمن و پاسخ به آن در کوتاه مدت و حرکت به سمت طراحی الگوی اقتصادی اسلامی در چهارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در درازمدت است. اقتصاد مقاومتی مختص زمان تحریم و جنگ نیست، بلکه یک چشم انداز بلندمدت پیش روی اقتصاد ایران است؛ زیرا اقتصاد ایران در سایه تفکر جمهوری اسلامی همیشه آماج حملات دشمنان خواهد بود.

مباحث نظری اقتصاد

بعد از پایان جنگ جهانی دوم اقتصاد به عنوان یکی از مولفه های مهم امنیت ملی مطرح شد، به گونه ای که دیگر وجوه امنیتی را نیز در بر می گرفت؛ به این معنی که بدون رشد و توانایی اقتصادی دیگر ارکان کشور نیز متزلزل و با مشکل مواجه می شد از همین رو بحث هایی همچون اقتصاد جهانی، تجارت جهانی،... مطرح شد. در این زمینه دولتها به دلیل جایگاه خود در کشور، کارگزار اصلی امنیت اقتصادی به شمار می روند و شرکت ها و طبقات را تحت الشعاع خود قرار می دهند، آنها در صورتی در حوزه اقتصاد مطرح خواهند بود که توانایی ایجاد فضای امن و رقابت؛ بسیج عمومی در مقابله با بحران های اقتصادی، مقابله با تحریم های احتمالی، تزریق برنامه های اصلاحی همچون شرکت های بیمه و تامین اجتماعی، کسب حمایت مردم از طرح های کلان اقتصادی، مدیریت مناسب تجاری داخلی و خارجی و جایگاه مناسب اقتصادی در عرصه های منطقه ای و فرامنطقه ای را داشته باشند. (عباس زاده، کرمی، ۱۳۹۰: ۴۴) به گونه ای که بتواند در شرایط لزوم و اضطرار با هرگونه



تهدید مقابله کند. به این صورت که در زمان تحریم ها بتواند با طرح های اقتصادی مناسب شرایطی را فراهم سازند تا در مقابل آن به انزوا کشیده نشوند و بتوانند در صحنه بین الملل حضور فعال داشته باشند. از جمله اینگونه مقاومت ها علیه دشمن می تواند مقاومت اقتصادی باشد.

تعریف اقتصاد مقاومتی

بنا به تعریف برخی از اقتصاد دانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بر اساس جهان بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می کند. (غفارپور، پورحاتمی، ۱۳۹۳) در تعریفی دیگر مقاومت اقتصادی بدین معناست: "یک نظام اقتصادی که هماهنگ با سیاست های کلان سیاسی و امنیتی نظام و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل بگیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم ها و توطئه های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه ای و جهانی حفظ کند." اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد؛ منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته به طوری که کشور ضمن مقاومت در برابر موانع و ناملایمات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند. (عسگری، روزنامه جام جم)

مشکلات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای آن

مشکلات و تنگناهای اقتصادی موجود در ایران را می توان در چهار محور خلاصه کرد: ۱. عدم تحرک در تولید کل و سرانه؛ ۲. ساختار نامناسب تولید؛ ۳. عدم تناسب های پولی و بانکی؛ ۴. مشکلات اداری-اجرایی. مشکلات ریشه ای تر در اقتصاد ایران عبارتند از: ۱. عدم درک مباحث توسعه اقتصادی (فقدان استراتژی مناسب توسعه)؛ ۲. ضعف شدید نظام آموزشی (عدم تناسب میان آموزش نیروی کار و تقاضای بازار کار و ناتوانی محسوس نیروی تحصیل هنگام ورود به بازار کار)؛ ۳. ضعف روحیه علمی حاکم بر جامعه؛ ۴. مشکلات ناشی از وابستگی به خارج؛ ۵. فقدان ثبات سیاسی در دهه های اخیر. (عظیمی آرانی، ۱۳۷۴، ۸۸) ریشه های ساختار نامناسب تولید، در سه زمینه قابل بررسی است. ۱. گسترش بخش خدمات؛ ۲. دوگانگی شدید ساختار اقتصادی؛ ۳. وابستگی تولید به دنیای خارج که از مهم ترین مسائل تبعی آن عبارتند از: ۱. محدود شدن ظرفیت سرمایه گذاری؛ ۲. وابستگی مصرف به دنیای خارج؛ ۳. تأثیر پذیری شدید وضعیت کلی اقتصاد از تصمیمات و تحولات اقتصادی جهان خارج؛ ۴. ایجاد شکاف های عمیق فرهنگی-اجتماعی در سطح جامعه. (همان، ۹۶)

مسئله دستگاه اداری و اجرایی دولت نیز در چند حوزه نموداری شود. ۱. فقدان مبانی نظری از پیش تعیین شده در زمینه حدود و نحوه دخالت دولت در اقتصاد؛ ۲. گسترش بار مالی فعالیت های دولتی نامتناسب با درآمدهای دولت؛ ۳. گسترش نامتناسب وظایف دولت با هزینه های انجام وظایف؛ ۴. گسترش نسنجیده دخالت های دولت در اقتصاد از طریق برقراری مقررات وسیع و نامناسب با توان اجرایی آن. «پیامدهای ناشی از مسائل فوق عبارتند از: عدم کارآیی شدید بخش دولتی، درهم شکسته شدن بافت اداری-اجرایی کشور و نزول شدید کیفیت ارائه خدمات دولتی.» (همان، ۱۰۷-۱۰۱)



راهبردهای اساسی در رسیدن به اهداف مهم اقتصاد مقاومتی

برای ورود انگیزه جهادی به اقتصاد کشور و نیل به اقتصاد مقاومتی باید مراحل را طی نمود که در ادامه به آنها اشاره می شود.

۱- فرهنگ سازی در محیط اقتصادی

اولین گام در حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی، فرهنگ سازی در ابعاد مختلف اقتصادی است که باید ابتدا از خود دولتمردان آغاز شود. تولید گرایی به جای رفاه گرایی و پرهیز از مصرف کالاهای لوکس یک ضرورت جدی است. گسترش فرهنگ قناعت و صرفه جویی و استفاده بهینه از امکانات موجود، همچنین فرهنگ سازی در زمینه سیاست های اقتصادی به گونه که میل به کالاهای داخلی بالا برود نیز بسیار تاثیر گذار است. به این وسیله علاوه بر آمادگی کشور برای شرایط تحریم بین المللی، تولید و اشتغال داخلی نیز رونق می گیرد. (واعظ برزانی، پیشین) اقتصاد مقاومتی یکی از مهم ترین راهبردهای اقتصادی است که ارتباطی در هم تنیده با خودکفایی و استقلال اقتصادی دارد و این خصیصه این نوع اقتصاد را از دیگر راهکارها و تمهیدات اقتصادی متمایز می سازد، زیرا اصل و نتیجه بسیار مهمی که هدف اکثر کشورهای جهان است به دنبال دارد، یعنی خود اتکایی و استقلال اقتصادی. در این میان مقاومت در مقابل تحریم های دشمنان و کشورهای بیگانه که مهمترین راهبرد اقتصاد مقاومتی است، می تواند جامعه را از وابستگی اقتصادی رها سازد. رهبر معظم انقلاب نیز با تأکید فراوان بر این مسئله در دیدار با مسئولان نظام فرمودند: «همت را بر این بگذاریم؛ برویم به سمت این که هر چه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم». (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳)

۲- مردمی کردن اقتصاد

یکی از سیاست ها در جهت تحقق استقلال، مردمی کردن اقتصاد است. مردمی کردن اقتصاد به معنای مشارکت مردم در اقتصاد نیست؛ بلکه به معنای تکیه به مردم در فعالیت های اقتصادی و به معنای آن است که مردم نقش اصلی را در فعالیت های اقتصادی داشته باشند. این امر باعث می شود که از تمام استعدادها و ظرفیت های مردم در جهت تولید ثروت و دست یابی به قدرت، استقلال و امنیت اقتصادی استفاده شود.

۳- تقویت پایه های تولید و حمایت از واحدهای تولید داخل

در این زمینه تقویت بخشیدن تولید داخلی با کنترل واردات و حمایت از تولید کنندگان داخل و متناسب نمودن تولید داخل با الگوی مصرف حقیقی و مطلوب، باید مورد توجه قرار گیرد. لازمه رسیدن به این مهم افزایش کیفیت تولید داخل، تولید انبوه و کاهش قیمت تمام شده است. با افزایش تولید داخلی و رهنمون کردن اقتصاد به سمت یک اقتصاد تولید محور، قدرت خود اتکایی بالا می رود و ضمن توسعه و پیشرفت صنایع داخلی می شود و میزان آسیب پذیری اقتصاد را در مقابل فشارها کاهش می دهد. همچنین با حمایت و تقویت تولید داخلی، بیکاری کاهش می یابد و با افزایش عرضه؛ تورم کم می شود و توان رقابتی در عرصه های مختلف اقتصادی افزایش می یابد. (اسماعیلی، پیشین، ۴۴)

۴- تأکید بر ادامه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی

یکی از محورهای اصلی بیان شده توسط رهبر معظم انقلاب، نقش اساسی بخش خصوصی و ورود این بخش به شریان های اصلی اقتصاد کشور است. گسترش رانت جویی، اتلاف منابع، افزایش هزینه های عمومی دولت و کسری بودجه بیشتر، از پیامدهای دولتی تر شدن اقتصاد است. اگر اصل ۴۴ به درستی اجرا شود، بخش خصوصی تقویت می شود و می تواند به عنوان پیشقراول و سرباز خط مقدم اقتصاد مقاومتی عمل کند. الان بسیاری از شرکت های دولتی ما تحت تحریم قرار دارند و اگر آنها پیش از این تحریم ها خصوصی شده بودند، دچار تحریم نمی شدند. در واقع اجرای سریع تر اصل ۴۴ قانون اساسی می تواند از افزایش بیشتر هزینه های بخش دولتی بکاهد و با تقویت بخش خصوصی به افزایش بهره وری و تولید در جامعه منجر شود. (طهماسبی کهیانی، ۱۳۹۱، ۷) رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران نظام فرمودند: « مردمی کردن اقتصاد جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست های اصل ۴۴ که اعلام شد، میتواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهای انجام گرفته و تلاش بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی



تشویق بشوند، هم نظام بانکی کشور، دستگاه های دولتی کشور و دستگاه هایی که می توانند کمک کنند- مثل قوه مقننه و قوه قضائیه- کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند.^۱ این مورد از محورهای اصلی مورد اشاره در این گفتمان است که به نظر می رسد در این بین محوریت و نقش اساسی با اصل ۴۴ و نقش آفرینی بخش خصوصی است. از این رو می توان به موضوعات ذیل به عنوان پیامدهای توجه به این اصل برای اقتصاد کشور در قالب گفتمان اقتصاد مقاومتی اشاره داشت. در فضای کسب و کار بی تردید مقابله با تحریم های فعلی و خنثی سازی آثار آن نیازمند برطرف کردن و تأمین نیازهای کشور در داخل و به دست تولید کنندگان داخلی است. از این رو فراهم آوردن شرایطی که این سرمایه گذاران و تولید گران بتوانند با وجود محدودیت های بین المللی ناشی از تحریم ها که مسائلی مانند گشایش اعتبارات اسنادی (LC) و به تبع آن واردات مواد اولیه را دشوار می کند، نیازهای واسطه ای و نهایی سایر بخش ها را فراهم آورند از نکات بسیار پر اهمیت است.

۵-اصلاح نرخ ارز

اصلاح نرخ ارز باعث مدیریت واردات می شود، زیرا نرخ فعلی ارز واقعی نیست. برای مدیریت واردات باید به این پرسش پاسخ داد که چرا در داخل کشور واردات از تولید مقرون به صرفه تر است. اگر نرخ ارز اصلاح شود، بدون نیاز به ممنوعیت مصنوعی و فهرستی، واردات بسیاری کالاها مقرون به صرفه نخواهد بود. (مستوری، ۱۳۹۱، ۲۵)

۶-استفاده از توان و ظرفیت های موجود داخلی

ایران به لحاظ نهادهای تولید مانند مواد اولیه، زمینه ای قابل کشت و وجود ساختار اقتصادی، صنعتی و علمی مطلوب در کنار خیل عظیم نیروی انسانی متخصص، از موقعیتی مناسب برخوردار است که می تواند با استفاده بهینه از همه این منابع، چرخه اقتصاد داخلی را شکل داده و در تولید بسیاری از کالاها و خدمات به خودکفایی برسد. این امر نه تنها موجب بی اثر شدن تحریم ها می گردد بلکه بهره گیری از این امکانات را به حداکثر می رساند. (همان) استقلال اقتصادی وقتی حاصل می شود که تولید ملی دو ویژگی داشته باشد:

۱. به صورت مستقیم یا غیر مستقیم پاسخ گوی نیازهای مردم و کشور باشد. محصول هایی تولید شود که در وضعیت امروز دنیا قابل در بازارهای خارجی و قابل مبادله با محصولات مورد نیاز کشور باشد.

۱. با کاروسرمایه ایرانی تولید شود؛ زیرا درغیراین صورت بدترین شکل وابستگی یعنی وابستگی درتأمین عوامل تولید رخ خواهد داد. براین اساس یکی از سیاست های اقتصاد مقاومتی باید حمایت از کار، سرمایه و تولید ملی باشد. (میرمعزی، ۱۳۹۲، ۶۰)

۷-توجه به بحث پژوهش و اقتصاد دانش بنیان

در یک اقتصاد مقاومتی، استفاده از حداکثر ظرفیت علمی و پژوهش جایگاه ویژه ای دارد. بر این اساس با آینده پژوهی دقیق و عالمانه، تمامی فرصت های دشمن برای ضربه زدن به اقتصاد کشور شناسایی و راهکارهای مناسب ارائه می شود. (پیغامی، ۱۳۹۱، ۱۰) نکته ای که باید همواره در نظر داشت این است که برای دستیابی به اقتصاد دانش بنیان، فقط تولید و توزیع اطلاعات و پرداختن به آموزش و پژوهش کافی نیست، بلکه نکته مهم به کارگیری آن ها در استفاده از منابع اقتصادی به صورت مستمر و پایدار است. به عبارت دیگر، کاربردی کردن دانش و استفاده مؤثرتر از آن در گسترش ظرفیت ها و ارتقای درجه بهره برداری از منابع است که تحقق یک اقتصاد دانش بنیان را ممکن می سازد. نقش شرکت های دانش بنیان نیز در این زمینه قابل تعریف است. به طور کلی می توان ویژگی های ذیل را برای اقتصاد دانش بنیان برشمرد:

۱. اقتصاد دانش بنیان اقتصاد کمیابی منابع نیست، بلکه اقتصاد فراوانی منابع است؛ زیرا بر خلاف بسیاری از منابع که هنگام مصرف مستهلک می شوند، اطلاعات و دانش، که اساس اقتصاد دانش بنیان است، می تواند بارها مصرف شود و با مصرف بیشتر در واقع رشد کند.

۲. در اقتصاد دانش بنیان، دانش به کالا تبدیل می شود و به فروش می رسد.

۳. اقتصاد دانش بنیان به نوعی یک اقتصاد بدون وزن است.

^۱ - بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳

۴. در اقتصاد دانش‌بنیان، دانش پایگی اقتصاد وابسته به مجموعه‌ای از نظام‌ها و فرآیندهای دانشی جامعه است.

۵. محل فعالیت در اقتصاد دانش‌بنیان اهمیت چندانی ندارد، زیرا با استفاده از فناوری‌ها و روش‌های مناسب، بازارها و سازمان‌های مجازی به وجود می‌آید و در خدمت فعالیت قرار می‌گیرد. آنچه مهم است سرعت عمل در فعالیت‌ها و دسترسی به کل جهان است.

۶. در اقتصاد دانش‌بنیان، سهم قابل توجهی از تولید ملی سرانه در رشته‌ی فعالیت‌های دانش‌پایه و دانش‌ساز، مانند صنایع دارای فناوری برتر، خدمات مالی و تجاری پیشرفته‌تر و کارآمدتر و به ویژه از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی تخصصی تولید می‌شود. در حقیقت اقتصاد دانش‌بنیان با بهره‌وری بیشتر عوامل تولید و رفتار بهینه اقتصادی از نظر تخصیص منابع کار می‌کند و در نتیجه، دارای نرخ رشد بالاتری خواهد بود. (محمدجوهری، ۱۳۹۳)

۸- بهبود فضای کسب و کار

بهبود فضای کسب و کار به معنای بهبود فضایی است که در آن سرمایه‌گذاری و تولید صورت می‌پذیرد. «محیط کسب و کار شامل نهادها، مقررات و رویه‌های اداری مندرج در محیط فعالیت اقتصادی است و به نوعی هزینه‌های غیر فنی فعالیت اقتصادی را تعیین می‌کند. هرچه مراحل، هزینه‌ها و زمان انجام مراحل ثبت شرکت، گرفتن مجوز از شهرداری و دیگر دستگاه‌های مرتبط برای تأسیس محل فعالیت، دریافت انشعاب برق، استخدام و اخراج کارکنان، ثبت دارایی در سازمان ثبت املاک، دریافت تسهیلات و اعتبارات، حمایت از حقوق سهام داران جزء پرداخت مالیات، تجارت خارجی، صدور حکم در نظام قضایی، اعلام ورشکستگی و خاتمه بخشیدن به کسب و کار کمتر باشد، هزینه‌های شروع و تداوم فعالیت اقتصادی کاهش و احتمال شکل‌گیری کسب و کارها افزایش می‌یابد» (اشرفی و فهیمی فر، ۱۳۹۰، ۹). بهبود فضای کسب و کار سرمایه‌گذاری و اشتغال را افزایش داده و باعث تسریع رشد اقتصادی می‌شود و از این بر قدرت و استقلال اقتصادی اثر گذار است.

۹- کاهش وابستگی به نفت

در طول سالیان گذشته پس از استخراج نفت، اقتصاد جامعه ما به نفت وابسته شده است، و این مسئله در مقطع کنونی حربه‌ای برای فشار بیشتر توسط عوامل نظام سلطه علیه منافع ملی شده است. بنابراین کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی از مهمترین اصول راهبردی اقتصاد مقاومتی است. به عبارت دیگر وابستگی بودجه جاری کشور به درآمدهای نفتی را کاهش و حتی در بلندمدت قطع کرده و از این درآمد خدادادی برای بودجه عمرانی و سازندگی کشور استفاده نمود. مقام عظم رهبری نیز در تبیین این موضوع فرموده‌اند: «کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمد زای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه اقتصاد انجام داده ایم.» کاهش وابستگی به نفت، توجه به بخش‌های اقتصادی دیگر و سرمایه‌گذاری در بخش غیر نفت، کشور را در مقابل هر تحریمی بیمه می‌کند. برای نیل به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی به درآمدهای حاصل از نفت در اقتصاد کاهش یابد. اکنون که بیش از صد سال از استخراج نفت در ایران می‌گذرد اقتصاد کشورمان بیش از هر چیزی وابسته به درآمدهای نفتی شده است. این وابستگی آثار و تبعاتی داشته که نمونه بارز آن را می‌توان در گمنامی تولید و فراموشی تولیدکننده و صنعتگر برشمرد. به طور کلی اجرای رویکرد اقتصاد مقاومتی واقعی مستلزم داشتن عزم ملی است و چنین عزمی را می‌توان با حمایت ملی و تأکید بر تامین نیازها در داخل و قطع حداکثری وابستگی‌ها به خارج به وجود آورد. (طهماسبی کهبیانی، پیشین: ۷) کاهش وابستگی به نفت را آخرین راهبردی که باید در مسیر اقتصاد مقاومتی به آن توجه شود. (مشرف جوادی، ۱۳۹۱) اگرچه مسئولین کشور ما بارها و بارها بر ضرورت کاهش وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی تأکید کرده‌اند، ولی در عمل شاهد روند معکوس بوده‌اند و وابستگی‌های بودجه‌ای و ارزی کشور به نفت در سال‌های اخیر بیشتر شده که کمتر نشده است و این مسئله مانع از شکل‌گیری اقتصاد

پویا، مستقل و مقاومتی شده است. اکنون که بر حسب اجبار با کاهش تولید و صادرات نفت مواجه شده ایم. این فرصت فراهم است که سیاست های اقتصادی را بدون تکیه بر درآمدهای نفتی طراحی و اجرا کنیم این تنها متغیری است که باید فرض کنیم به صورت بلند مدت به همین وضع باقی خواهد ماند و چاره ای جز استقلال از آن نداریم (روزنامه شهروند، ۱۳۹۴)

از دیگر راهبردهای رسیدن به اهداف اقتصادی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- جلوگیری از ایجاد فساد در بدنه دولت و سازمان های دولتی اولین و مهم ترین موردی است که باید در جریان اقتصاد مقاومتی توجه بیشتری به آن شود.
- ۲- کنترل واردات بی کشور دومین راهبردی که باید اقدامات اساسی و تصمیم گیری های کلان درباره آن اتخاذ شود، بنابراین واردات کالاهایی که مشابه ایرانی آن تولید می شود موجب ایجاد ضرر در روند تولید کشور خواهد شد.
- ۳- همراهی با مردم و آگاهی دادن به جامعه سومین راهبرد کلیدی اقتصاد مقاومتی می باشد. با توجه به طرح اقتصاد مقاومتی از سوی رهبری باید بیش از گذشته فرهنگ سازی شود، در صورتی که این رابطه بین مسئولین و مردم ایجاد نشود، سوء ظن به وجود خواهد آمد.
- ۴- چهارمین راهبرد متوجه وزارت خانه هایی که خط مشی گذاری می کنند، است که در این زمینه باید انسجام لازم میان مجموع ۲۰ وزارت خانه وزارتخانه هایی که وظیفه و مشی گذاری دارند به وجود آید. به عنوان مثال میان وزارت خانه جهاد کشاورزی، بازرگانی و اقتصاد و دارائی باید سیاست گذاری هماهنگ و در یک مسیر صورت پذیرد.

مبارزه با فساد اقتصادی

فساد اقتصادی نقص قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی است. از فساد اغلب به عنوان یک بیماری شدید نام برده می شود. بیماری مانند سرطان که به طور بی رحمانه از سازمانی به سازمان دیگر و از نهادی به نهاد دیگر سرایت می کند، به طوری که تمام نهادهای موجود را تحلیل برده تا به فروپاشی نظام سیاسی حاکم بیانجامد. رواج فساد مالی به درستی به عنوان یکی از مهم ترین موانع در راه پیشرفت های موفقیت آمیز اقتصادی، به طور مثال در کشورهای آسیایی و آفریقایی شمرده شده است. سطح بالای فساد مالی می تواند باعث ناکارآمدی سیاست های دولتی شود. «تحقیق های موجود نشان می دهد که فساد باعث کاهش سرمایه گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. فساد مالی فعالیت های سرمایه گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت ها و فعالیت های زیر زمینی سوق می دهد. نیز باعث پرورش سازمان های وحشتناکی مانند مافیا می شود. گسترده و فراگیر یکی از نشانه های ضعف حاکمیت است و عملکرد ضعیف حاکمیت می تواند روند رشد و توسعه اقتصادی را به تحلیل برد» (محنت فر، ۱۳۸۷). نتیجه بخش بودن سیاست های پیشین در جهت استقلال اقتصادی مستلزم آن است که فساد اقتصادی ریشه کن شده یا به حداقل خود برسد.

چالش ها و موانع اجرای اقتصاد اسلامی

با وجود گسترش ادبیات موضوع و با وصف اجرای ابعادی از اقتصاد اسلامی و با عنایت به دغدغه جدی بسیاری از محققان، موضوع هنوز برای بخش قابل توجهی از اهل اقتصاد به درجات مختلفی شفاف نمی باشد؛ به این صورت که برخی با وجود پذیرش مفادی کلی از این رشته، بر دشواری اجرای اقتصاد اسلامی تأکید دارند. عده ای در مورد علمی بودن و علمی نبودن آن شک دارند (صدر، پیشین). گروهی حتی در اصل وجود و ماهیت آن تردید دارند. بدیهی است تا زمانی که این وضعیت برای مدرسان و محققان اقتصاد وجود داشته باشد، موضوع برای دانشجویان و مردم عادی از دشواری بیشتری برخوردار است. پر واضح است که سیاست گذاران و مدیران اقتصادی جامعه که باید پیام سیاست مورد عمل خود را از صاحب نظران اقتصادی دریافت کنند، در این اوضاع و احوال، اگر بی توجهی نسبت به اقتصاد اسلامی برخورد نکنند، حداقل در یک سردرگمی نسبت به آن قرار خواهند گرفت. در هر صورت این عدم شفافیت و سردرگمی می تواند مانع بالقوه مؤثری در اجرای اقتصاد اسلامی محسوب گردد. (دادگر، ۱۳۸۳، ۱۳۴)



۱-ناسازگاری نظام آموزش رسمی اقتصاد

نظام آموزش اقتصاد در جامعه هم پشوانه‌ی علمی برای تحقیق و گسترش ادبیات مربوطه را فراهم می‌سازد و هم زمینه‌ی تربیت کارشناسان و مدیران اقتصادی در عرصه‌ی مورد نظر را فراهم می‌آورد. نظام‌های آموزش رسمی اقتصاد در کشورهای اسلامی، قرابت معنی‌داری با اقتصاد اسلامی ندارند. این ارتباط حتی در جمهوری اسلامی ایران که ادعای اجرای نظام اجتماعی اسلام را در همه ابعاد دارد، بسیار کم‌رنگ می‌باشد. در نظام آموزش اقتصاد در ایران، علاوه بر ناکارآمدی خود قرائت مرسوم در رشته اقتصاد (که نزدیک به ۳۵ سال است مورد تحول اساسی قرار نگرفته است) در برخی از رشته‌های اقتصاد نظری تنها پنج واحد در مقطع لیسانس و سه واحد در مقطع فوق لیسانس در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی وجود دارد. جالب توجه است که سرفصل‌های مدون شده برای همین دروس محدود، نحوه‌ی ارایه‌ی آنها، متون درسی و مدرسان دروس مربوطه نیز از ناکارآمدی‌های قابل توجهی برخوردار هستند. بدیهی است که تولیدات مربوط به این فضای آموزشی خاص از کارآمدی کافی برخوردار نخواهد بود. ذهنیت ایجاد شده از اقتصاد اسلامی برای دانشجویان رشته اقتصاد نیز چالش مهم دیگری در این ارتباط خواهد بود و در نتیجه نمی‌توان انتظار قابل قبولی را از اجرای اقتصاد اسلامی (حداقل از منظر پیوند نظام آموزشی) داشت.

۲-فقدان ارتباط مؤثر با دیگر ابعاد زندگی مردم

یک دشواری دیگر که می‌تواند سدی در مقابل پیشرفت در اجرای اقتصاد اسلامی محسوب گردد، فقدان ارتباط مؤثر یا عدم درک ارتباط اقتصاد اسلامی با دیگر ابعاد زندگی واقعی مردم است. این موضوع را به عنوان یک واقعیت تلخ اثباتی در نظر داریم و معتقدیم آنگونه که اقتصاد اسلامی به طور بالقوه با زندگی، مرتبط است، به طور بالفعل، چنین نیست. این واقعیت، زمینه شکل‌ساز دیگری است که مانع پیشرفت عملی در اجرای اقتصاد اسلامی می‌گردد؛ زیرا کارگزاران اقتصادی در درجه اول، دغدغه عناصر مختلف زندگی مادی خود را دارند و در این ارتباط به طور روشن جایگاهی برای آگاه بودن نسبت به اقتصاد اسلامی نمی‌یابند. مردم بین فعالیت‌های عمومی خود شامل دریافت‌ها، پرداخت‌ها، امور رفاهی، امور آموزشی، بهداشتی، امور مسکن، تحصیل فرزندان، مسافرت و حتی استقراض از بانک و امثال آن از یک سو، و اقتصاد اسلامی از سوی دیگر ارتباط بخصوصی را شناسایی نمی‌کنند، بنابراین تنها گروهی از اهل اقتصاد که نوعی علاقه دینی همه جانبه دارند از خود می‌پرسند که آیا امکان دارد اسلام چارچوب اقتصادی مشخصی نداشته باشد. بر همین اساس، اقتصاد اسلامی با وجود ظهور کلی در اذهان عمومی، به شکل یک نهاد اجتماعی محقق نشده است و این امر حداقل باعث کندی اجرای آن خواهد شد. (دادگر، کلاتری، ۱۳۸۲،

۱۴۵)

۳-فقدان سرمایه‌گذاری کافی و فقدان برنامه‌ریزی استراتژیک

در حال حاضر چه در زمینه تبلیغ و شناسایی رشته اقتصاد اسلامی و چه در معرفی ابعاد اساسی آن و چه در ارتباط با پیوند آن با دیگر عناصر نظام اسلامی، هیچ عزم جدی کارسازی وجود ندارد. کارآمد سازی و نزدیک ساختن یک معرفت علمی با اجرا، در درجه‌ی اول نیازمند تأمین زیرساخت‌های اساسی و در مرحله‌ی دوم محتاج تدوین نوعی برنامه‌ریزی استراتژیک میان مدت و بلند مدت می‌باشد و سرانجام به عناصر کنترلی و نظارتی کارآمدی نیاز دارد که پیشرفت کار را مطالعه کرده، دشواری‌های احتمالی را حل و فصل نماید و دورنمای پیشرفت مراحل بعدی را مشخص نموده، مورد حمایت قرار دهد. تأمین هزینه پروژه‌های تحقیقاتی، پشتیبانی از رساله‌ها و تزیینات دانشجویی، تدارک کارگاه‌ها و سمینارهای مورد نیاز، نمونه‌ای از اقدامات ضروری در این عرصه محسوب می‌شود. نظام رسمی تبلیغاتی کشور و رسانه‌هایی که از بودجه عمومی تغذیه می‌شوند، نقش فراگیرتری را به عهده خواهند داشت. تغذیه مرتب و هماهنگ تبلیغی جهت ایجاد ذهنیت و فرهنگ‌سازی برای شکل‌گیری رشته‌های علمی نوپا بسیار ضروری است. در هیچ‌کدام از موارد یاد شده، فعالیت‌های شایان ذکر در جوامع اسلامی (و از جمله ایران) صورت نگرفته است. بنابراین با وجود آنچه گفته شد، انتظار اجرای اقتصاد اسلامی نیز خیلی معقول نمی‌باشد. (کوران، ۱۳۷۵)

۴-دشواری‌های سازمان‌دهی و هماهنگی

کارآمدی اقتصاد اسلامی هم از جنبه نظری و هم از لحاظ اجرایی وقتی محقق می‌شود که اقتصاد اسلامی در یک قالب نظام‌وار پیش رود؛ (دادگر، پیشین، ۱۳). به نظر می‌رسد یک علت اساسی عدم موفقیت اجرای بانکداری بدون ربا در برخی از کشورها (به عنوان نمونه در جمهوری اسلامی ایران) فقدان رابطه‌ی نظام‌مند آن با دیگر ابعاد اقتصادی و سایر زیر نظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن می‌باشد. گذشته از



این، اجرای اقتصاد اسلامی در جوامع اسلامی به نوعی هماهنگی‌های مدیریتی، سازمانی و تشکیلاتی منظم در بدنه سیستم عمومی آن کشورها نیاز دارد؛ در حالی که وضع موجود در جوامع اسلامی حکایت از فقدان آنها دارد این امر به عنوان یک مانع مؤثر در اجرای اقتصاد اسلامی عمل می‌کند.

نتیجه گیری

شیوه زندگی مردم، حفظ ارکان یک کشور، توانمندی و دستیابی به پیشرفت‌های تکنولوژی و فناوری در حوزه اقتصادی قرار می‌گیرد. این حوزه یکی از حوزه‌های مهم کشور برای حفظ کین و استقلال ملتش محسوب می‌شود؛ به همین دلیل هرگونه موانع تراشی برای آسیب رساندن به امنیت کشور نیز در راستای اقتصادی قرار می‌گیرد؛ که یکی از راه‌های مقابله با آن می‌تواند اقتصاد مقاومتی باشد. ج.ا.ایران نیز در بعد از پیروزی انقلاب شاهد فشارهای مختلف اقتصادی بوده و تمام تلاش خود را برای مقاومت و غلبه بر دشمنان قرار داده است. اقتصاد مقاومتی مفهومی جدید در ادبیات اقتصادی جهان است که از سوی رهبر معظم انقلاب طرح گردید. این مفهوم با جهت‌گیری مقاومتی خود برای عبور از سیاست‌های خصمانه دشمنان و پی‌گیری پیشرفت‌های دانشی با استفاده از قابلیت‌های کارآفرینی و تمرکز زدایی از فعالیت‌های دولتی طرح گردیده است. شاید بتوان گفت، بهترین راه‌گذر از مسائل اداری و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور، تلاش برای نظریه پردازی پیرامون اقتصاد مقاومتی و برنامه ریزی برای عملیاتی ساختن همه جانبه آن است. همچنین در اقتصاد مقاومتی نیاز به تغییرات اساسی در شیوه عمل اقتصادی چه در سطح کلان و چه در سطح خرد داریم. برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی باید آحاد جامعه در کنار مسئولین به تغییر سبک زندگی خود بپردازند به کمک تولید داخلی آمده تا اقتصاد کشور از وضعیت وابستگی به نفت خارج شود که در نتیجه آن ما شاهد یک اقتصاد بومی که بر اساس اصول علمی تدوین شده است باشیم.

منابع

- اشرفی، ی و فهیمی فر، ف (۱۳۹۰) " بررسی شاخص‌های بهبود فضای کسب و کار با تاکید بر جایگاه ایران "؛ مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ش ۱۱، ۶۰-۷۰، بهمن.
- بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳
- پیغامی، ع (۱۳۹۱) " پرونده اقتصاد مقاومتی "، ماهنامه آموزشی اطلاع رسانه معارف، شماره ۹۳
- دادگر، ی (۱۳۸۳) " مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی اقتصادی سیاسی اسلام "، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهارم، ۱۰۲-۷۵، زمستان.
- دادگر، ی و کلاتری (۱۳۸۲) " بازار مشترک کشورهای اسلامی، تهران "، انتشارات دانشکده شهید محلاتی.
- طهماسبی کهیانی، م (۱۳۹۱) " حمایت از تولید ملی گامی برای اقتصاد مقاومتی "، فصلنامه احیاء، ۴، تابستان.
- عباس زاده، ه، کریمی، ک (۱۳۹۰)، " سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار " فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۱، ۵۸-۳۱، بهار.
- عسگری، ع (۱۳۹۱) روزنامه جام جم، مهر.
- عظیمی آرنانی، ح (۱۳۷۴) " مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران "، تهران، نشر نی، چاپ ۴.
- غفارپور، دا و پورحاتمی، ز (۱۳۹۳) " اقتصاد مقاومتی، راهبردها و راهکارها " پایگاه الگوها، خرداد.
- کوران، ت (۱۳۷۵)، " توسعه نیافتگی کشورهای اسلامی "، ترجمه یدالله دادگر، مجله نقد و نظر، شماره ۹.
- مستوری، ح (۱۳۹۱) " اقتصاد مقاومتی و توسعه اقتصادی "، ماهنامه اندیشه گستر سایپا، شماره ۱۲۶، ۲۶-۲۵، شهریور.
- میرمعزی، س (۱۳۹۰) نظام اقتصادی اسلام (مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق)؛ تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- محمد جواهری، م (۱۳۹۳)، " نقش شرکت‌های دانش بنیان در تحقق راهبرد اقتصاد مقاومتی " www.tasnimnews.com
- مشرف جوادی، م (۱۳۹۱) " سخنرانی هفته پژوهش "، دانشگاه اصفهان.
- روزنامه شهروند (۱۳۹۴) باید و نبایدهای اقتصاد مقاومتی، شماره ۶۵۵، شهریور.